

ضرورت تدوین کتاب فلسفه اسلامی با رویکرد آموزشی

دکتر ملیحه صابری نجف‌آبادی*

چکیده

آموزش از طریق متون درسی در اولویت اجرای برنامه‌های آموزشی است و کتاب درسی دانشگاهی نقشی انکارناپذیر در فرایند درسی و تحقق اهداف آموزشی دارد، به طوری که بخشی از کیفیت آموزش در نظام آموزش عالی با کیفیت کتاب درسی در ارتباط است. در دانشگاه‌های ایران برای آموزش فلسفه اسلامی عموماً از روش‌ها و آثار سنتی استفاده می‌شود و تاکنون کتاب جدیدی متناسب با نیازهای دانشجو در این زمینه تدوین نشده است. درس فلسفه اسلامی یکی از دروس اختصاصی با دامنه وسیع در رشته فلسفه و حکمت اسلامی است، به گونه‌ای که شمار واحدهای آن در برخی گرایش‌ها تا ۲۴ واحد درسی می‌رسد؛ بی‌شک تهیه متونی متناسب با نیازهای مخاطب گرهی از مشکلات این رشته را می‌گشاید و تحولی در اثربخشی بیشتر آن ایجاد می‌نماید. در این مقاله ضمن بازنمایی مشکلات آموزش فلسفه در ایران به بررسی معیارهای لازم متن درس فلسفه اسلامی خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها

فلسفه اسلامی، آموزش، متن خوانی، الگوی کتاب درسی

مقدمه

این روزها خبر از رکود فلسفه در سرزمین فکر و فرهنگ و زادگاه فلاسفه بزرگ تاریخ، یعنی ایران به گوش می‌رسد. به طور تقریبی تمام استادان، محققان، صاحب‌نظران،

* استادیار مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت» (saberi@samt.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۹

دانشجویان و دستداران فلسفه بر این امر متفق‌القول‌اند که فلسفه به‌خصوص فلسفه اسلامی در عصر حاضر دچار رکود شده است و آنچه در سرزمین ما با عنوان فلسفه و عرفان اسلامی آموزش داده می‌شود، صرفاً تقلید و تکرار حرف‌های گذشتگان یا شرح و توضیح بر متون آن‌هاست و همین موجب شده است که آموزش فلسفه در ایران به پرورش فیلسوف نینجامد. برخی از متخصصان فن، ریشه مشکلات و مسائل فرهنگی را به عدم کارایی فلسفه برمی‌گردانند و معتقدند جامعه امروز ما به لحاظ نظری و فلسفی، جامعه‌ای بی‌چهارچوب است و این خود از بحران ما در عرصه تفکر و فلسفه حکایت می‌کند. این بحران در حوزه پژوهش نیز وجود دارد. طبق آخرین پژوهش‌ها در سال‌های اخیر، ایران در خاورمیانه کمترین میزان مقالات فلسفی کارآمد را داشته است و در رتبه، با فاصله قابل توجهی بعد از ترکیه و رژیم اشغالگر قدس قرار دارد. برخلاف جریان رشد علمی کشور، در فلسفه خبری از رشد پژوهشی نیست. وضعیت پژوهشی آکادمیک در فلسفه کم و بیش قابل مقایسه با امارات متحده است. در حالی که فاصله علمی ما در متوسط علوم با امارات قابل مقایسه نیست (رتبه میانگین علوم ایران ۱۷ و رتبه میانگین علوم امارات ۵۹ است) (صائمی، ۱۳۹۳). این اخبار ناگوار موجب شده است که کمتر دانشجویی را در تمام مقاطع آموزش عالی در رشته فلسفه اسلامی بتوان یافت که از وضعیت نظام آموزشی آن ابراز رضایت کند.

به دلیل این شرایط نگران‌کننده، امروزه دغدغه دستداران فلسفه، تحلیل و بررسی عوامل رکود و ضعف آموزش و پژوهش فلسفه در ایران شده است. بی‌شک برای بازگرداندن حیات به شاه‌رگ‌های فلسفه در ایران لازم است آسیب‌شناسی دقیقی بر روی آموزش آن در ایران صورت گیرد و علل ناکارآمدی آن شناسایی و تحلیل گردد. البته برای بررسی عمیق این مسئله باید به اجرای تحقیقی جامع و ناظر بر همه مؤلفه‌های اصلی آموزش یعنی برنامه آموزشی، متون آموزشی، استاد و دانشجو پرداخت که هر کدام از این عناصر در جایگاه خود نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. این تحقیق در این مجال نمی‌گنجد و در این مقاله به فراخور موضوع این فصلنامه به واکاوی مشکلات متون درسی آن خواهیم پرداخت.

آموزش فلسفه از طریق متن خوانی

آنچه تاکنون در سنت فلسفی ما مرسوم بوده آموزش فلسفه به روش متن محوری است. در این سنت لازمه درک فلسفه، متن خوانی و تفسیر درست آن است. گویی آموزش و تعلیم فلسفه صرفاً از طریق توضیح و تبیین متون فلسفی امکان‌پذیر است. اصولاً اعتقاد بر این بوده

که شرط اصلی درک فلسفی در درک صحیح و واضح متن مستتر است. در این روش، استاد با احاطه بر مطالب و با محور قرار دادن موضوعات آن، به توضیح متن می‌پردازد. این سنت دیرین که به آغاز شکل‌گیری فلسفه اسلامی برمی‌گردد، تاکنون بر تمام مشارب فلسفی اسلامی و بر تمام تعالیم منطقی سایه افکنده است، به گونه‌ای که همواره فهم متن شاه کلید دریافت قواعد و براهین کلیه مباحث فلسفی می‌شود و اهمیت آن چنان است که عده‌ای برای فهم و توضیح موارد ابهامات و ابهامات آن به شرح‌نویسی و حاشیه و تعلق بر متن مشغول شده‌اند. این سنت که در حوزه‌های علمیه متداول بوده با تغییرات مختصری به دانشگاه هم سرایت کرده و سال‌هاست که برای درس فلسفه اسلامی به ارزش ۲۴ واحد کتاب‌های *بدایة‌الحکمه* و *نهایة‌الحکمه* و یا شرح منظومه تدریس می‌شود. در مقطع کارشناسی ارشد نیز بخش‌هایی از نمط ۴، ۵ و ۶ *الاشارات والتنبیها* ابن سینا، *حکمة الاشراف* سهروردی و *الشواهد الربوبیه* ملاصدرا و در مقطع دکتری نیز بخش‌هایی از *اسفار و شفا* تدریس می‌شود. این روش از جهت آنکه دانشجو با متن اصلی فیلسوف مواجه می‌شود، مزایایی دارد. دانشجو با خواندن متن اصلی فیلسوف جسارت می‌یابد به طور مستقیم به بررسی آراء فیلسوف از جهت انسجام و یا عدم انسجام و یا ضعف و قدرت فکری آن بپردازد و میزان استحکام نظر فیلسوف را ارزیابی کند؛ برخلاف دانشجویانی که از طریق جزوه آموزش می‌بینند و با متن اصلی سر و کار ندارند و از این فرصت محروم می‌شوند.

اما در کنار این مزایا این روش مشکلات بزرگی برای دانشجویان ایجاد می‌کند که عبارت است از اینکه دانشجو در آن همواره گرفتار متن است و فرصت فکر کردن به مسائل خارج از متن را ندارد. او مجبور است برای درک کامل متن در ظرایف عبارات فرو رود، تمام توان خود را مصروف فهم آن از طریق شروح و حواشی مربوطه سازد و به مسائل فارغ از متن توجهی نکند. دانشجو کمتر فرصت فکر کردن حل دیگر مسائل فلسفی را پیدا می‌کند و این سبب بی‌توجهی به مسائل و مشکلات دیگر می‌گردد. از طرفی، از آنجا که مباحث متون سنتی در مسائل متافیزیک خلاصه شده است، دانشجو با این روش از ورود به مباحث جدید باز می‌ماند و با مباحث انتزاعی و غیر کاربردی محدود می‌شود. مشکل دیگر این متون آن است که معمولاً تاریخچه موضوع و جایگاه آن در کتاب طرح نمی‌شود و محتوا فاقد نگاه تاریخی به موضوعات است و از طرح چگونگی پیدایش و تطور آن موضوع خودداری می‌شود. در نتیجه دانشجو از جایگاه تاریخی خود فیلسوف نگارنده متن نیز غافل می‌ماند. مشکل بزرگ دیگر این متون آن است که هیچ‌کدام از استانداردهای لازم یک متن آموزشی را ندارد و هر کدام برای هدف خاصی در زمان

خاصی نگاشته شده است. با توجه به مأموریت اصلی سازمان «سمت» مبنی بر تهیه و تدوین متون مورد نیاز درسی و با عطف به سیاست‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر ضرورت بازنگری دروس علوم انسانی، انتظار می‌رود این سازمان افراد شایسته را برای تدوین کتابی با شاخص‌های آموزشی مأمور کند تا این نیاز میرم جامعه دانشگاهی مرتفع گردد.

ملاک‌های عمومی لازم برای متن فلسفی

فلسفه در تألیف اندیشه‌های عمیق و کارساز که به فهم بهتر جهان و حل مسائل و معتقدات فکری و فرهنگی و سیاسی جوامع منجر می‌شود، نقش اساسی دارد. از نظر متخصصان، علم فلسفه امری فرعی و حاشیه‌ای نیست که صرفاً در حوزه‌های خاص انتزاعی به کار آید، بلکه دارای نقشی حیاتی در تثبیت پایه‌های علم و فرهنگ است و در رأس علوم هر جامعه قرار دارد. فلسفه‌ورزی در جهان معاصر که حاصل تفکر و اندیشه‌بنیادی در شناخت هستی است امروزه جنبه‌ها و حوزه‌های گوناگون به خود گرفته است؛ زیرا همراه با پیشرفت و توسعه گسترده علوم، فلسفه نیز با گرایش‌ها و رویکردهای جدید و مباحث تازه و تخصصی وارد میدان رقابت شده و فلسفه‌های ترکیبی و کاربردی در کنار فلسفه‌های سنتی قرار گرفته است. این مسئله سبب شده است آموزش دانشگاهی آن پیچیده‌تر و دارای جنبه‌های گوناگون گردد. از این رو لازم است قالبی کلی برای متن آموزش فلسفه ارائه شود تا خطوط کلی و رئوس مطالب و اهداف آن مشخص شود. داشتن زبان مناسب، جهت‌گیری و رویکرد آموزشی، جامعیت، روزآمدی، کارآمدی و قابلیت متناسب متن جهت پرورش مهارت‌های تخصصی که به موجب آن فضای گفت و گوی علمی برای نقد و تقریر براهین فراهم آید و توجه به سیر تاریخی مباحث از جمله ملاک‌های لازم هر متن آموزشی معیار برای تدریس فلسفه در همه گرایش‌های آن است.

زبان

سنت رایج در تدوین متون فلسفه اسلامی استفاده از زبان عربی است؛ از ابتدای شکل‌گیری فلسفه اسلامی بیشتر کتاب‌ها به زبان عربی نوشته شده است. متأسفانه «عدم تسلط خوانندگان به زبان عربی، مانع آموزش فلسفه و عرفان در میان فارسی‌زبانان شده است، و این در حالی است که عمده خاستگاه فلسفه و عرفان، ایران بوده اما نادر آثار فلسفی و عرفانی نیز که به فارسی نگارش یافته مملو از اصطلاحات عربی و غیرمتداول برای خوانندگان فارسی زبان است» (اکبری، ۱۳۸۵: ۸۱). صعوبت زبان عربی برای دانشجویان

فارسی زبان آن هم در درس فلسفه با مطالبی که ذاتاً ثقیل است، سبب آزرده‌گی و دل‌زدگی آن‌ها شده است و خواهد شد.

دانشجویی که به زبان عربی تسلط کافی ندارد، باید مقدار زیادی از وقت و انرژی خود را صرف دریافت آن زبان کند. از این رو بسیاری از دانشجویان مجبور به استفاده از ترجمه متن اصلی آن هستند. برای رفع این مشکل لازم است متن درسی فلسفه به زبان فارسی نگارش شود. آن هم فارسی سلیس و روان؛ زیرا در شرایط متعارف، ثقیل‌نویسی در متن درسی با اهداف آموزشی آن منافات دارد. نشر یک کتاب کارآمد و اثربخش باید خواننده را به مطالعه ترغیب کند و با کمترین واژگان ممکن، بیشترین آگاهی را به او برساند نه آنکه با پیچیدگی‌های غیرضروری مخاطب را سرگردان سازد و ذهنش را در هاله‌ای از ابهام و سردرگمی فرو برد. خوشبختانه طی چند سال اخیر آثار متعددی برای آموزش شیوه نگارش علمی در کشور منتشر شده که هر یک در آموزش اصول و روش‌های درست‌نویسی مفید است (موحد، ۱۳۸۷).

البته در دوره‌هایی از تاریخ، ایجاز و ابهام به دلیل اوضاع سیاسی مورد توجه بوده است که نمونه آن را می‌توان در بیان سهروردی ملاحظه کرد. او بود که می‌گفت: «دانش و اسرار آن را جز بر اهلش عطا مکن و از شر افراد لئیم که به آنان خوبی کردی، بر حذر باش که من از آن‌ها سختی دیده‌ام» (سهروردی، ۱۳۵۵: ۱۲۱). علاوه بر این در فرهنگ اسلامی، اعتقاد دیگری وجود داشت که در پرده‌گویی را دامن می‌زد و آن اینکه با این شیوه، یاران مشتاق و واله حقیقت از مدعیان راحت‌طلب خود به خود بازشناخته شوند. اما ثمره این کار با هر انگیزه‌ای که انجام می‌گرفت آن بود که نه فقط از دست دشمنان پنهان ماند بلکه والهان و مشتاقان را در فهم خود ناکام ساخت، نکات بسیاری را سر به مهر گذاشت و نوآموزان را دلخسته و آزرده کرد و طالبان را به اندک شمار تقلیل داد (اکبری، ۱۳۸۵).

امروزه سلاست و روانی متن از مهم‌ترین ویژگی‌های آن است و زبان علمی زبانی شفاف با تعبیرهای مستقیم و دارای ساخت منطقی و نظم و آراستگی است. به نظر متخصصان نگارش یک کتاب دانشگاهی کارآمد باید چنان گویا و شفاف باشد که خواننده بدون کمترین ابهام به اصل مطلب دست یابد. روانی و آسانی شرط مهم انتقال مفاهیم به مخاطب است. مخاطب باید بتواند با زبان مؤلف ارتباط برقرار کند و به معنای نهفته پیام دست یابد. اگر تألیفی با بیانی ثقیل نگارش شود، نشانه مهم بودن آن نیست؛ برعکس از ویژگی‌های زبان علمی صراحت و شفافیت کلام است که کتاب‌های دانشگاهی باید به آن زبان نوشته شود (سمیعی گیلانی، ۱۳۷۸). همان‌طور که گفته شد در گذشته بیشتر متون

فلسفی به زبان عربی آن هم به صورت پیچیده نوشته می‌شد و برخی کتاب‌هایی هم که ابن سینا یا سهروردی، میرداماد و ملاصدرا به زبان فارسی نوشته‌اند، فرعی و حاشیه‌ای بوده است؛ آن هم به زبان دشوار که معضل فهم خواننده را در پی دارد. این مشکل در فلسفه خیلی پررنگ‌تر است، زیرا خود مسائل و مطالب فلسفه اسلامی ذاتاً دشوار و انتزاعی است. در نتیجه فهم و خوانش‌پذیری آن برای خواننده امروز بسیار دشوار است. البته در دوره جدید برخی استادان فلسفه مانند مرتضی مطهری به تدوین مباحث فلسفه اسلامی به زبان ساده پرداختند. لازم است که این روش ادامه یابد، زیرا توسعه و پیشرفت در این حوزه در گرو فهم آن است. برای آنکه دانشجو با متون قدیم هم آشنا شود، می‌توان بخش‌هایی از آثار فیلسوفان پیشین را از متون اصلی آن‌ها انتخاب کرد و در متن گنجانید؛ زیرا برخی معتقدند دانشجو تنها با متون قدیمی است که به عمق مطلب راه می‌یابد و ممارست با متون دشوار سبب تمرکز اندیشه و شکوفایی خلاقیت او خواهد شد. البته درج بخش‌هایی از متون قدیمی در متن درسی امکان‌آشنایی با اندیشه فیلسوفان بزرگ را به دانشجو می‌دهد و اهداف آموزشی مورد نظر تأمین خواهد شد.

روزآمدی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، متأسفانه حدود سی سال است که در درس فلسفه هیچ تجدید نظری صورت نگرفته و متون سنتی همواره منبع اصلی این درس در آزمون ورودی کارشناسی ارشد بوده است. در صورتی که شاخص مهم یک متن آموزشی پویایی مطالب و کارآمدی آن است. کتاب درسی باید ناظر بر آخرین یافته‌های دستاوردهای پژوهشی و تحولات جهانی آن رشته باشد. بی‌شک تغییرات ایجاد شده در مدل زندگی، تحولات جدید، تسهیل ارتباطات متنوع و تغییرات خواسته و ناخواسته‌ای که در دیدگاه‌های فلاسفه ایجاد شده، مسائل جدیدی را در فلسفه وارد نموده است. حضور کارآمد و زنده این دستاوردها در متن مباحث فلسفی و همچنین مواجهه با جریان‌های فکری مخالف موجب می‌شود که فلسفه اسلامی ابتکار عمل و پیشتازی خود را با اهتمام بر تولید اندیشه و نظریه‌پردازی جدید حفظ کند. این پیشرفت‌ها نه تنها در محتوا بلکه در روش‌شناسی نیز موجب ابداع آراء جدید خواهد شد. متأسفانه فلسفه اسلامی به دلیل بناشدن برخی مسائل آن بر فلکیات قدیم و فیزیک ارسطویی بسیار آسیب‌پذیر شده است و دانشجویان آن را فلسفه‌ای کهنه و از دور خارج شده می‌انگارند. در این فلسفه از چگونگی ارتباط با علوم جدید تجربی و علوم انسانی مدرن خبری نیست. البته کتاب نه‌بته فارغ از مباحث طبیعیات

و کمتر دچار این مشکل است اما عدم روزآمدی در مباحث الهیات آن به‌طور کامل مشهود است. برای احیای فلسفه اسلامی و حکمت الهی لازم است دانشجویان هم‌زمان با مطالعه مباحث فلسفه اسلامی با اندیشه و فلسفه غرب نیز آشنا شوند و با نگرش انتقادی به آن به حفظ پایه‌های حکمی خود بپردازند (زارع، ۱۳۹۳: ۱۸۳). زمانی هانری کربن که شیفته فلسفه اسلامی شده بود معتقد بود فلسفه اسلامی زنده است و با بسیاری از دستاوردهای آن می‌توان به حل مشکلات امروز بشر پرداخت و با الهام از روش علامه طباطبایی می‌توان به این آرمان راه یافت؛ زیرا او بود که با استفاده از بحث قوه و فعل و همچنین زمان و سرمدیت و مخصوصاً علت و معلول که در حکمت متعالیه ملاصدرا وجود دارد به بسیاری از شبهات پاسخ گفت. او با کمک استاد مطهری در کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم* به بحث فلسفی برای مقابله با دیدگاه مارکسیست‌ها پرداخت. دکتر نصر در این باره می‌گوید: «ما به قدرتمندی ایشان کسی را نداریم که با این قدرتمندی به فلسفه مارکسیسم پاسخ گوید» (همان).

کارآمدی

لازمه خارج شدن فلسفه اسلامی از انزوای چندین ساله‌اش ترویج و توسعه مستمر آن است که زمینه رشد و بالندگی مباحث فلسفی آن فراهم شود. برای دستیابی به این منظور باید این موضوع به‌طور کامل روشن شود که هدف از خواندن فلسفه برای دانشجویان آشناسازی آن‌ها با کلیات مباحث اصلی فلسفی است. به گونه‌ایی که آن‌ها ضمن تسلط، با مباحث اصلی مانند: معرفت‌شناسی، خداشناسی، جهان‌شناسی، آخرت‌شناسی، سیاست، علم، ذهن، هنر و غیره آشنا شوند و مهارت تفکر نقاد و استدلال‌ورزی در آن‌ها بالا رود. بنابراین لازم است برخی مباحث به آن اضافه شود؛ از جمله تعریف فلسفه و تبیین هویت فلسفه اسلامی و عناصر دخیل در آن، کارکردهای فلسفه به ویژه فلسفه اسلامی و نسبت فلسفه با علوم دیگر. این در حالی است که در فلسفه‌ها و نگرش‌های جدید و در جهان معاصر تصور مربوط به انسان با تصویر قبلی او به کلی تغییر کرده است. انسان به جای آنکه حیوان ناطق تلقی شود خود بنیاد اندیشه و عمل فرض شده است و این سبب شده که فلسفه به کلی دگرگون گردد. در فلسفه اسلامی صیورورت نفس به گونه‌ایی است که در آن عالم صغیر با عالم کبیر مطابقت می‌یابد. این صیورورت با کمک عقل فعال انجام می‌شود و در این نگرش، کمال انسان در این است که عالم هستی به نحو معقول در او به ثمر رسد و جهانی عقلانی شود و عالم کبیر که در انسان قبلاً به نحو اجمال وجود داشت با تکون عقلانی جنبه تفصیلی پیدا

کند. در فلسفه اسلامی استفاده از استدلال و برهان همراه با تهذیب اخلاق و سلوک باطنی است. انسان موجودی است که در قوس صعودی وجود غایت است؛ با کمال بی‌بدیل انسان در منظومه هستی. انسان از طریق صیورورت نفس می‌تواند به مقام شامخ و حیرت‌آور خلیفة‌اللهی دست یابد. در حکمت متعالیه افق روشنی برای خدمت به خدا و خلق خدا گشوده شده است و بر اساس آن درهم‌تنیدگی علم و عمل معنادار و معقول می‌نماید. در این نگرش فیلسوف نه تنها مسئول رفع مشکلات نظری است، بلکه دغدغه گشودن مسائل زمانه خود را نیز دارد و با طرح راه حل آن مدیریت و سیاست صحیح زمان خود را سامان‌مندی می‌کند. البته این رویکرد در حکمت متعالیه به گونه‌ای کلی وجود دارد، اما در آثار فارابی آن را به‌طور مشخص می‌توان یافت؛ «در کتاب *آراء اهل المدینة الفاضلة* او از اخلاق، زیبایی‌شناسی، سیاست و اجتماع، خیر و شر، فضایل فکری و نظری و عملی و اخلاقی سخن می‌راند و می‌کوشد تا مبنای عقلانی برای حیات جمعی جامعه دینی فراهم سازد» (اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۱۰). با وجود اینکه چنین افق‌های روشنی در آثار فلاسفه اسلامی وجود دارد، متأسفانه در متون درسی فلسفی که اکنون تدریس می‌شود هیچ بازتابی از وجود چنین رویکردی نیست. در چنین شرایطی مشکل فاصله گرفتن فلسفه اسلامی از واقعیات زندگی به دلایلی که قبلاً گفته شد همچنان وجود دارد. بی‌توجهی به فلسفه‌های مضاف از یک سو و نادیده گرفتن مسائل مهم حکمت عملی در دنیای امروز سبب شده که دانشجوی فلسفه اسلامی در مواجهه با متون فلسفی احساس انزوا نسبت به مسائل اجتماعی خود داشته باشد. این وضعیت متأسفانه همواره این تلقی را در ذهن مخاطب تقویت می‌کند که مباحث فلسفی و مطالعه و تحقیق درباره آن‌ها، هیچ اثری در زندگی ندارد و فایده‌ای بر آن‌ها مترتب نیست. مباحثی همچون اصالت وجود یا ماهیت، قاعده «بسیط‌الحقیقة کل الاشياء» و قاعده «لامیز فی الاعدام» و ده‌ها مطلب فلسفی دیگر هیچ نقشی در زندگی افراد ندارد و دانشجویان درس فلسفه اسلامی در فضایی مملو از مباحث انتزاعی گرفتار شده‌اند که برخی چنان پیچیده است که فکر و ذهن آن‌ها را به خود مشغول داشته به گونه‌ای که گاهی فرصت درنگ ندارند. ببینند کدام یک از این مباحث نقشی در زندگی فردی ما ایفا می‌کند؛ در صورتی که ماهیت فلسفه اسلامی مضامی کردن انسان با جهان خارج است.

رویکرد آموزشی

کتاب درسی رسانه یادگیری است؛ به همین دلیل باید از منطق یادگیری پیروی کند. یکی از نکاتی که در فرایند یاددهی - یادگیری اهمیت دارد، زمینه یادگیری است (آرمند و

ملکی، ۱۳۹۱). بنابراین لازم است مقدمات لازم برای یادگیری متن فراهم شود. «تحقیقات مؤید این نظریه است که اگر اطلاعات به صورت هماهنگ با فرایندهای شناختی - روش فکر کردن یا روش عملکرد مغز آدمی در فرایند یادگیری عرضه گردد، افراد سریع تر، بهتر و بیشتر یاد می گیرند» (لیونکا، ۱۳۸۵). امروزه ثابت شده است که استفاده از برخی عناصر در کتاب درسی سبب ایجاد این زمینه و تقویت آموزش می شود. برخی گفته اند کتاب درسی نقش مرئی را ایفا می کند و وجود عناصر آموزشی سبب تسهیل یادگیری و آموزش مؤثر خواهد شد.

یکی از عناصر آموزشی در کتاب طرح هدف های یادگیری است که باید پیش از آوردن متن و محتوا مطرح شود. این کار موجب می شود دانشجو از انتظارات آموزشی برنامه ریزان و مؤلفان آگاهی یابد و با بصیرت بیشتر به یادگیری پردازد. اصولاً آشنایی با هدف ها در ایجاد انگیزه یادگیری و جهت دهی به فعالیت های یادگیری نیز مؤثر است (همان). از دیگر عناصر یادگیری، طرح پرسش در متن کتاب درسی است. پرسش مناسب علاوه بر کمک به فهم و درک بهتر مطالب، فراگیرنده را به انجام فعالیت های مختلف سوق می دهد. برخی از اهداف طرح پرسش در کتاب درسی به شرح ذیل است:

- تشویق خواننده به بازخوانی نکات مهم و اصلی مطالب؛
- قادر ساختن مدرس به بررسی مطالبی که فراگیرنده از متن آموخته است؛
- کمک به مدرسان در تعیین تکلیف و تعیین فعالیت های کلاسی و تکالیف خارج از کلاس؛

- کمک به فراگیرنده برای به کار بردن دانسته ها در موقعیت های مختلف؛
 - کمک به تأمل و تفکر و رشد فکری و ذهنی بیشتر فراگیرنده.
- با عنایت به موارد مذکور، پرسش نقش مهمی در یادگیری مطالب و نیز تفکر و بحث پیرامون مطالب کتاب درسی دارد.

یکی دیگر از عناصر آموزشی و عوامل ایجاد زمینه یادگیری، فهرست مطالب و مقدمه کتاب است. فهرست کتاب نمایی کلی از مباحث در ذهن خواننده ایجاد می کند. همچنین در مقدمه اطلاعی اجمالی از محتوای کتاب به دست می آید. ذکر خلاصه فصل ها موجب می شود خواننده بتواند از متن برداشت جامعی بکند (آرمند و ملکی، ۱۳۹۱: ۶۷). در خلاصه های پایانی یا نتیجه گیری هر فصل نکات اصلی را می توان مرور کرد و نتیجه گیری متن را به صورت کوتاه در یک یا دو صفحه به صورت برجسته یا داخل کادر آورد و یا با حروف متفاوت از متن اصلی جدا کرد.

دیگر عناصر آموزشی عبارت است از: آوردن عبارت‌های حاوی نکات اصلی به صورت برجسته، آزمون، یادداشت‌هایی که در حاشیه کتاب نوشته می‌شود از قبیل: شرح واژه‌ها، اطلاعات، مثال‌ها و یا مطالب کاربردی، بیان وقایع تاریخی مرتبط با بحث و غیره، و نمودار، ارجاعات درون متنی به مطالب مرتبط در سایر فصل‌ها و غیره برای تفهیم موضوع. استفاده از تیتروهای اصلی و فرعی مناسب با قلم‌های نازک و یا ضخیم متناسب با متن، پاراگراف‌بندی‌های دقیق، قرار دادن برخی مطالب در کادر، استفاده از جدول که همه این عناصر در یادگیری دانشجو مؤثر خواهد بود. تنظیم فصول با رعایت تقدم و تأخر مطالب و ساختار سه بخشی فصول، یعنی مقدمه، بدنه و نتیجه از جمله شرایط دیگری است که یک متن آموزشی باید واجد آن باشد. همچنین می‌توان با تعریف مفاهیم و واژگان جدید و برجسته کردن آن‌ها، یادگیری و فهم مطالب را تسهیل نمود. در بخش بدنه لازم است مباحث اصلی طرح و تفریر شود و در نتیجه‌گیری اهم مطالب فصل خلاصه و در کادر مناسب آورده شود. متأسفانه همه کتاب‌های سنتی فلسفه اسلامی فاقد همه موارد فوق و فاقد ویژگی‌های یک متن آموزشی مناسب است. برخی از کتاب‌ها حتی فاقد فهرست مطالب و فصل‌بندی و مقدمه است. تقریباً هیچ کدام از آن‌ها نمایه‌های اعلام و اصطلاحات ندارد. از همه مهم‌تر آنکه منابع مورد استفاده مؤلف نامعلوم است و به هیچ وجه ارجاعات سخنان مستند نشده است. در تنظیم مطالب و جملات از سیستم پاراگراف‌بندی خبری نیست و بیشتر متون مملو از عبارات پیچیده و گاهی در نهایت ایجاز است.

جامعیت اثر با توجه به اهداف. متن آموزشی درس فلسفه با ظرفیت بالای شمار واحدی آن باید جامع مباحث اصلی فلسفه باشد. البته این جامعیت نسبی است، زیرا اگر منظور از جامعیت آن باشد که اثر بیشترین پوشش ممکن را در پرداختن به مباحث و منابع مرتبط با محور بحث خود داشته باشد، در عمل رسیدن به چنین هدفی بسیار سخت و بعید است، زیرا رسیدن به جامعیت مطلق در یک اثر ممکن نیست؛ بنابراین می‌توان به جامعیت نسبی و قابل قبول رضایت داد. به این معنا که بیشتر مخاطبان به اغلب مباحث مورد نظر خود در آن اثر دست یابند؛ از این رو لازم است در متن فلسفه مورد نظر علاوه بر مباحث الهیات عام و خاص، مباحث مهم معرفت‌شناسی، فلسفه دین، فلسفه اخلاق و فلسفه سیاست گنجانده شود. همچنان که در فلسفه ابن‌سینا و فارابی علاوه بر مباحث هستی‌شناختی شاهد ذکر مباحث دیگری چون فلسفه سیاسی و فلسفه اخلاق متناسب با ضرورت‌های روزگار ایشان و نیز امروزه در فلسفه غرب شاهد رشد روزافزون مباحث متنوع هستیم. این رویه باید در دروس فلسفه اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

حفظ رویکرد تاریخی. فلسفه اسلامی قدمتی تاریخی دارد و مطالعه مباحث تاریخی و زمان‌مند مسائل فلسفی بسیار ضروری است. اصولاً در هر موضوع لازم است سیر تطور مسئله و رابطه آن با علوم مرتبط و پیش‌فرض‌های آن آشکار شود. توجه به آراء فلاسفه پیشین و روشن کردن و برجسته نمودن آراء ابتکاری آن‌ها، تبیین دقیق تفاوت‌ها و تشابهات نظری و اصولاً ریشه‌یابی تاریخی مسائل در درک صحیح فلسفی مسئله مؤثر است. بدون شک هر مسئله‌ای در تاریخ، سیری تکوینی و تکمیلی داشته است و متن آموزشی فلسفه باید ناظر بر سیر تکمیلی مباحث باشد.

یکی از کاستی‌های جدی کتاب‌های فلسفه اسلامی، بی‌توجهی به تاریخ شکل‌گیری اندیشه‌ها و آراء فلسفی بوده است (اسلامی، ۱۳۸۴). شهید مطهری در نوشته‌ها و آثار خود بر این نکته تأکید می‌کرد که مسائل فلسفی چنان نوشته شده است که گویی هرگز تاریخی نداشته است (همان). توجه به ریشه‌های تاریخی موضوعات فلسفی، مانع جمود و ایستایی بر مجموعه‌ای از مسائل و بی‌توجهی به مسائل تازه می‌شود. اما این مهم در متون آموزش فلسفه اسلامی از جمله کتاب *بدایه و نهایه* نادیده گرفته شده است. این در حالی است که در متون آموزش فلسفه غرب، سیر تاریخی مسئله تحولات فلسفی به نحوی منعکس و دانشجوی فلسفه همراه با آموزش مسائل اصلی فلسفه با تحولات آن نیز به اجمال آشنا می‌شود (همان). از این رو لازم است هنگام ورود به هر موضوع، تاریخچه شکل‌گیری آن و بستر تکاملش متناسب با متن آموزشی گنجانده شود.

توجه به تفکر و اندیشه دانشجویان. متن آموزشی فلسفه بیش از هر چیز باید به شکوفایی تعقل، توان نقادی و استعداد اندیشیدن دانشجوی کمک کند. حاصل این فرایند، تربیت دانشجویی پرسشگر، نقاد و متفکر است. جهت ارائه صحیح اهداف قصد شده درس فلسفه اسلامی و فعالیت دانشجویان و یادگیری در استدلال و ورزی و تمیز دادن صحیح از ناصحیح و بالابردن تفکرات خلاق در کلاس لازم است در کنار آن، متن آموزشی از چنان قابلیت‌هایی برخوردار باشد که دانشجو به کمک آن و فعالیت‌های دیگر به چنین مهارت‌هایی نائل گردد:

- تشخیص موضوعات زیربنایی در همه انواع مباحث،
- دقت تفکر و بیان در تحلیل و نظم و نسق بخشیدن به مسائل پیچیده،
- حساسیت نسبت به تفسیر متونی که به دوران‌های تاریخی و سنن گوناگون مربوط است،
- ارزیابی دقیق ادله متون،
- توانایی در به‌کارگیری اصطلاحات تخصصی فلسفه و نقد آن‌ها،
- توانایی در چکیده‌نویسی، تحلیل و اقامه ادله صحیح و شناسایی مغالطه‌های منطقی،

- توانایی تشخیص اشتباهات مربوط به روش‌شناسی، فنون بلاغی، فرضیات پنهان، ابهام و سطحی‌نگری،
 - توانایی حرکت میان تعمیم و بحث کاملاً تخصصی فلسفی و نقد آن‌ها،
 - توانایی اختراع یا کشف مثال‌هایی که به زیان و یا به نفع یک موضوع ذکر می‌شود و تشخیص ملاحظات مربوط از غیرمربوط،
 - قدرت اندیشیدن به آراء و شیوه‌های تفکر ناآشنا، بررسی نقادانه پیش‌فرض‌ها و روش‌های موجود در محدوده رشته (صابری، ۱۳۸۴).
 دانشجوی فلسفه باید بتواند از مرزهای سنتی موضوعات فلسفی عبور کند و با درک محدودیت‌ها و امتیازات رشته‌های دیگر آموزه‌های فلسفی را در موضوعات خارج از دانشگاه به کار گیرد؛ به طوری که بتواند با استفاده از توانایی این علم به پرسش‌های جدید جهان معاصر پاسخ دهد.

نتیجه‌گیری

۱. لازم است متنی به زبان فارسی در معرفی مفاهیم اساسی فلسفه اسلامی با بیانی محکم، واضح و دقیق با سازمان‌دهی مناسب و با توجه به منابع اصیل نگاشته شود. بدون شک برای تهیه متنی با ماهیت تخصصی و آموزشی متناسب با حجم ۲۴ واحد درسی فلسفه اسلامی نیازمندیم همه ابعاد و ضوابط یک متن آموزشی دانشگاهی را در نظر بگیریم. تعیین هدف مشخص، تعیین سطح اطلاعات لازم برای آموزش متن، استفاده از ابزارها و عناصر کمک آموزشی از قبیل طرح بحث مقدماتی، جمع‌بندی نهایی، طرح سؤال، آزمون، ابداع واژگان جدید، نمودار، مقایسه، و غیره برای تفهیم موضوع فصل‌بندی منطقی و جمع‌بندی و مرور در انتهای هر فصل از شرایط اصلی خلق چنین اثری است.
۲. در تهیه محتوا توجه به سیر تحول و تطور مسائل ضروری است؛ داشتن رویکرد تاریخی به مسائل فلسفی، زمینه بررسی اندیشه‌های ناب فلسفه اسلامی را در طول تاریخ و ابتکارات و اختلاف نظرهای فلاسفه بزرگی همچون فارابی، ابن‌سینا، سهروردی و ملاصدرا و تفاوت آراء و اندیشه‌های آن‌ها را با فلاسفه یونانی مشخص می‌کند.
۳. کتاب موضوع محور باشد و آراء فلاسفه مختلف درباره آن موضوعات، به گونه تطبیقی توضیح داده شود و در طی آن مبانی، اصول و دغدغه‌های فلاسفه درباره موضوع مربوطه مشخص گردد. بعد از آن می‌توان آراء و مکاتب فلسفی پیشین را در مواجهه با مسائل جدید ارزیابی کرد.
۴. متنی تهیه شود که رابطه‌ای با مسائل مربوط به نسل معاصر داشته باشد و راه حلی

برای مشکلات امروزیین جامعه ارائه نماید. در کنار مباحث الهیات عام و خاص، مباحثی همچون روش‌شناسی فلسفه اسلامی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و معادشناسی، فلسفه اخلاق و فلسفه سیاست، فلسفه اخلاق و فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی در متن درسی گنجانده شود.

۵. به‌طور معمول برای هر واحد درسی ۱۰۰ صفحه متن آموزشی در نظر گرفته می‌شود و طبیعی است که حجم کتاب‌های حوزوی مانند *نهایة الحکمه* در ۳۳۴ صفحه برای ۲۴ واحد درسی مناسب نیست. البته برای تدریس همین کتاب هم به دلیل ایجاز، عمق و دشواری مطالب، وقت زیادی صرف می‌شود و سبب ایجاد معضلاتی می‌گردد که قبلاً توضیح دادیم. از این رو لازم است متنی به زبان فارسی با توضیحات مکفی با حجم حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ صفحه برای این درس پر واحد تهیه گردد.

۶. لازم است متن آموزشی فلسفه به شکوفایی عقلانی، توان نقادی و مهارت اندیشیدن و پرورش تفکر انتقادی و ارتقای خلاقیت دانشجو کمک کند. استفاده از برخی ابزار و عناصر آموزشی مانند بخش «سؤال» و بخش «بیشتر فکر کنیم» ابزار مناسبی است برای رسیدن به این هدف. در کنار متن، استفاده از کارگاه‌های آموزشی، حل مسئله، نگارش مقالات و غیره به تقویت مهارت‌های لازم دانشجوی فلسفه کمک خواهد کرد.

منابع

- آرمند، محمد و حسن ملکی (۱۳۹۱). *شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی دانشگاهی*، تهران: سمت. اسلامی، حسن (۱۳۸۴). «مقایسه‌ای میان چند متن آموزش فلسفه در مراکز آموزشی غرب و ایران»، مجموعه مقالات *اسماء*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اکبری، رضا (۱۳۸۵). «نقد و بررسی آموزش فلسفه اسلامی در رشته‌ها و گرایش‌های فلسفه اسلامی و ارائه راهی نو»، مجموعه مقالات *اسماء*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زارع، حامد (۱۳۹۳). *آفاق حکمت در سپهر سنت*، تهران: ققنوس.
- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۷۸). *نگارش و ویرایش*، تهران: سمت.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی (۱۳۵۵). *مجموعه مصنفات، تلویحات*، جلد اول، تصحیح و مقدمه از هانری کرین، ترجمه سید حسین نصر، تهران: انجمن فلسفه ایران.
- صابری، ملیحه (۱۳۸۴). «درآمدی به آموزش فلسفه»، *سخن سمت*، شماره ۱۶.
- صائمی، امیر (۱۳۹۳). «ارزیابی آکادمیک فلسفه در ایران در مقایسه با جهان»، *فصلنامه نقد کتاب فلسفه و عرفان*، شماره ۳ و ۴.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۲). *نهایة الحکمه*، قم: مؤسسه نشر اسلامی التابعه لجماعة المدرسين.
- لیونکا، مری آلن (۱۳۸۵). *نحوه نگارش و تهیه کتاب درسی دانشگاهی*، ترجمه مریم جابر و دیگران، تهران: سمت.
- موحد، ضیاء (۱۳۸۷). *رساله‌ای در مقاله‌نویسی*، تهران: نیلوفر.